

جادوی فکر بزرگ

The magic of thinking big

نویسنده: دکتر دیوید جی. شوارتز

مترجم: سعید حاجی حسین فراتی



سرسنبله	: شوارتز، دیوید جوزف Schwartz, David Joseph
عنوان و نام پدیدآور	: جادوی فکر بزرگ: The magic of thinking big
مشخصات نشر	: تهران: شنایا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۳ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۶۱-۴۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: The magic of thinking big، ۲۰۱۵.
یادداشت	: کتاب حاضر با عناوین و ناشرین مختلف در سالهای متفاوت منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: موفقیت
موضوع	: Success
موضوع	: اعتماد به نفس
موضوع	: Self-confidence
موضوع	: سطح انتظار
موضوع	: Level of aspiration
شناسه افزوده	: حاجی حسین فراتی، سعید، ۱۳۷۱-، مترجم
رده بندی کنگره	: BF۶۳۷
رده بندی دیویی	: ۱۵۸/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۱۸۹۶۶
وضعیت رکورد	: فیبا

جادوی فکر بزرگ

The magic of thinking big

نویسنده: دکتر دیوید. جی. شوارتز

مترجم: سعید حاج حسین فراتی

ویراستار: فاطمه شادی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۶۱-۴۴-۱

تلفن: ۰۹۱۲۴۹۱۴۹۷۹

۰۹۱۲۹۴۹۴۸۶۲



صفحه، عنوان

مقدمه	۵
با باور به این که می توانید موفق شوید، موفق خواهید شد	۱۳
خود را از بهانه تراشی، بیماری افراد ناموفق، نجات دهید	۳۱
اعتماد به نفس داشته باشید و ترس را نابود کنید	۵۵
چگونه بزرگ فکر کنیم؟	۸۱
چگونه خلاقانه فکر کنیم؟	۱۰۵
شما همانی هستید که می اندیشید	۱۳۱
محیط اطراف خود را مدیریت کنید؛ در هر کاری درجه یک باشید	۱۵۱
نکرس های خود را به حامیان خود تبدیل کنید	۱۷۱
در مورد دیگران درست فکر کنید	۱۹۷
عادت عمل گرایی را در خود پرورش دهید	۲۱۷
چگونه شکست را به پیروزی تبدیل کنیم؟	۲۴۱
از اهدافتان برای رشد خود استفاده کنید	۲۵۷
چگونه مانند یک رهبر فکر کنیم؟	۲۷۹

مقدمه

چرا این کتاب بزرگ؟ چرا بخشی تمام‌عیار درباره جادوی فکر بزرگ؟ امسال دوازده هزار جلد کتاب چاپ خواهد شد، اما چرا این یکی؟ هدف از تدوین این کتاب چیست؟ اجازه دهید برایتان تعریف کنم. چند سال پیش، من شاهد جلسه فروش فوق‌العاده مؤثری در یکی از شرکت‌ها بودم. نایب‌رئیس مسئول بازار مالی این شرکت برای سخنرانی خود در مورد روشن کردن موضوعی، بسیار هیجان‌زده بود. نماینده ارشد سازمان که از موفق‌ترین کارکنان سازمان بود، کنار او روی سکوی ایستاده بود. او فردی با ظاهری بسیار معمولی و ساده بود و در سالی که تازه به اتمام رسیده بود، فقط اندکی کمتر از شصت هزار دلار درآمد داشت. این درحالی بود که متوسط درآمد نمایندگان دیگر دوازده هزار دلار بود.

مدیر، اعضای جلسه را به چالش کشید. او به کارکنان رو کرد و گفت: «از شما می‌خواهم خوب به «هری» نگاه کنید. حالا بگویید هری چه داشت که شما ندارید؟ درآمد هری، پنج برابر درآمد شما است. اما آیا او پنج برابر باهوش‌تر از شما است؟ خیر! طبق آزمون‌های کارکنان ما، خیر. من بررسی کردم و این آزمون‌ها نشان می‌دهند که او در سازمان فردی معمولی است. آیا هری پنج برابر سخت‌تر از شما دوستان کار کرد؟ خیر! طبق گزارش‌ها، خیر. درواقع، او بیش‌تر از شما به مرخصی رفته بود. آیا هری در منطقه‌ای بهتر از شما زندگی می‌کند؟ باز هم نه! گزارش‌ها تا حدود زیادی مشابه

بودند. آیا تحصیلات هری بیش تر از شما است؟ آیا سالم تر از شما است؟ باز هم نه! هری واقعا یک آدم معمولی است.» او ادامه داد: «تنها تفاوتی که هری با شما دارد، فکر اوست؛ فکر هری پنج برابر بزرگ تر از فکر شما است!» مدیر سخنان خود را ادامه داد، تا نشان دهد آن قدر که اندازه فکر انسان در ایجاد موفقیت تأثیر دارد، اندازه مغز او ندارد. این فکر جالب بود و در خاطر من ماند. هرچه بیش تر دقت می کردم، با افراد بیش تری صحبت می کردم و بیش تر به عامل موفقیت فکر می کردم، پاسخ سؤال واضح تر می شد. مطالعه سرگذشت های گوناگون ثابت کرد که میزان حساب های بانکی، میزان رضایت و خوشنودی و میزان رضایت عمومی هر فرد به اندازه فکر او بستگی دارد. فکر بزرگ جادو می کند! بارها این سؤال از من پرسیده شده است: «اگر فکر بزرگ این قدر نتیجه بخش است، چرا همه بزرگ فکر نمی کنند؟» من معتقدم که جواب این جاست. همه ما، بیش از آن که تشخیص بدهیم، محصول تفکر محیطی خویش هستیم و بخش زیادی از این تفکر کوچک است، نه بزرگ. دور تادور شما را محیطی فراگرفته است که تلاش می کند شما را بگیرد و تکان دهد. تلاش می کند شما را به خیابان فرعی بکشانند. هر روز به شما گفته می شود که تعداد رؤسای بیش از تعداد کارکنان است و تعداد بومی ها کمتر از اندازه لازم است. به بیانی دیگر، فرصتی برای رهبری کردن وجود ندارد و بیش از اندازه لازم رئیس وجود دارد. پس به فردی کوچک بودن راضی باش. اندیشه «رؤسای بیش از اندازه» به سادگی با واقعیت جور در نمی آید. پیشتازان در کلیه مشاغل همان چیزی را به شما خواهند گفت که به من گفته اند: «مشکل این است که بیش از اندازه کارمند و بومی وجود دارد، ولی به اندازه کافی رئیس نداریم.» این محیط فوق العاده کوچک چیزهای دیگری نیز به شما می گوید. به شما می گوید «هرچه بادا باد!» سرنوشت انسان خارج از کنترل اوست. بنابراین، رویاهایتان را فراموش کنید؛ آن خانه قشنگ تر را فراموش کنید، آن دانشکده خاص را برای

فرزندان خود فراموش کنید، زندگی بهتر را فراموش کنید و ... با صبوری در انتظار مرگ باشید و روبه قبله دراز بکشید.

همه ما این عبارت را شنیده ایم که: «موفقیت به سختی اش نمی ارزد!» گویی آدم مجبور است روح خود، زندگی خانوادگی خود، وجدان خود و مجموعه ارزش های خود را برای رسیدن به هدف بفروشد. ولی، درواقع، موفقیت نیازی به پرداخت بها ندارد. هر گام روبه جلو نتیجه بخش است. همچنین این محیط به ما می گوید که: «برای رسیدن به جایگاه های رفیع در زندگی بیش از اندازه رقابت هست.» ولی آیا هست؟ یک رئیس کارگزینی به من گفت که تقاضانامه هایی که برای مشاغلی با حقوق سالانه ده هزار دلار به دستش می رسد، پنجاه تا دویست و پنجاه برابر آن هایی است که برای مشاغلی با حقوق سالی پنجاه هزار دلار به دستش می رسد. به این معنا که رقابت برای مشاغل درجه دو، دست کم پنجاه برابر مشاغل درجه یک است. پست های خالی بی شماری منتظر افراد بزرگانندیشی همچون شما هستند. راهکارها و اصول مقدماتی که جمادی فکر بزرگ را تأیید می کنند، از اصیل ترین منابع، بهترین و بزرگ ترین مغزهای متفکری سرچشمه می گیرند که هنوز روی زمین به زندگی ادامه می دهند. مغزهایی مثل داوود نبی که فرمود: «آدمی همان است که در دلش فکر می کند!» مغزهایی مثل «امرسون» که گفت: «مردان بزرگ کسانی هستند که حکومت افکار بر دنیا را می بینند.» مغزهایی مثل «میلتون» که در بهشت گمشده نوشت: «ذهن جایی است خاص خودش و به خودی خود می تواند از جهنم، بهشت و از بهشت، جهنم بسازد.» به طور شگفت آوری آدم های متفکر باهوش، شکسپیر را دوست دارند که گفت: «چیزی به عنوان خوب یا بد وجود ندارد، مگر این که تفکر آدم آن ها را این گونه ببیند.» ولی این دلیل از کجا سرچشمه می گیرد؟ ما از کجا بدانیم که متفکران چیره دست راست می گفتند؟ چه سؤال های خوبی! این دلیل از زندگی های افراد برگزیده اطراف ما سرچشمه

می‌گیرد که از طریق کسب موفقیت، پیشرفت و خوشبختی، ثابت می‌کنند که فکر بزرگ جادو می‌کند. مراحل ساده‌ای که در اینجا گفتیم، نظریه‌های آزمایش نشده نیستند؛ این‌ها عقاید و حدسیات یک فرد نیستند، بلکه رویکردهای اثبات شده در موقعیت‌های زندگی هستند و مراحل هستند که به‌طور عموم کاربرپذیر و مثمرترند و مثل جادو عمل می‌کنند. همین که شما این مطلب را می‌خوانید ثابت می‌کند که به کسب موفقیت بیش‌تر علاقه‌مندید. شما دوست دارید خواسته‌های خود را برآورده کنید. شما خواهان سطح بالاتر و بهتری از زندگی هستید. شما می‌خواهید این زندگی همه چیزهای خوبی را که لایق شماست، به شما بدهد. علاقه‌مندی به موفقیت ویژگی بسیار فوق‌العاده‌ای است. چه بسا یک صفت عالی دیگر هم داشته باشید. در حقیقت، حلالی که این کتاب در دست‌های شماست نشان می‌دهد که آن‌قدر باهوش هستید که به دنبال ابزاری می‌گردید تا شما را به جایی برساند که دوست دارید بروید. ما برای ساختن هر چیزی به ابزار مناسب آن نیاز داریم. ساختن یک زندگی موفق هم همین‌گونه است؛ به ابزار مناسب نیاز دارد. برای این که درست از این کتاب استفاده کنید به دو ابزار نیاز دارید؛ اشتیاقی برای موفقیت بزرگ‌تر و هوش، انتخاب ابزاری که به شما کمک کند تا آن اشتیاق را تشخیص دهید. بزرگ فکر کنید تا بزرگ زندگی کنید. شما در شادمانی و پیشرفتی بزرگ زندگی خواهید کرد و در میان خانواده، دوستان و آشنایان محترم خواهید بود. وعده و وعید دادن و امروز و فردا کردن کافی است. اکنون دست به کار شوید و تفکران را وادار کنید تا برای شما جادو کند. با این فکر فیلسوف بزرگ دیز رابلی شروع کنید: «عمر انسان برای کوچک بودن بسیار کوتاه است!»

فایده این کتاب برای شما چیست؟

در هر یک از فصل‌های این کتاب ده‌ها فکر، شیوه و اصل سودمند و

منطقی می‌یابید که به شما توانایی می‌دهند تا نیروی جادویی فکر بزرگ را برای کسب موفقیت، شادکامی و رضایتی را که بسیار دوست دارید، به کار گیرید. هر شیوه با شرح یک سرگذشت واقعی فوق‌العاده برای شما توضیح داده شده است. بنابراین شما نه تنها یاد می‌گیرید که چه کار کنید، بلکه مهم‌تر از آن، متوجه می‌شوید که چگونه هر اصلی را در موارد و موقعیت‌های واقعی اجرا کنید. این کاری است که این کتاب برای شما انجام خواهد داد. به شما نشان خواهد داد چگونه می‌توانید:

- * با نیروی ایمان به موفقیت برسید.
- * با باور به این که می‌توانید موفق شوید، به موفقیت برسید.
- * بی‌ایمانی و نیروی منفی حاصل از آن را نابود کنید.
- * با فکر بزرگ، نتایج بزرگ کسب کنید.
- * با ایمان شوید.
- * ذهن خود را برای پرورش افکار مثبت تربیت کنید.
- * برای موفق شدن برنامه‌ای منسجم طرح کنید.
- * خود را در برابر بیماری بهانه‌تراشی و درماندگی واکسینه کنید.
- * به رازی که در نگرش خود نسبت به سلامتی دارید، پی ببرید.
- * متوجه شوید که چرا نیروی تفکر مهم‌تر از هوش است.
- * ذهن خود را برای فکر کردن به کار گیرید، نه فقط به عنوان انباری برای جمع‌آوری و ذخیره اطلاعات.
- * سه شیوه آسان درمان بهانه‌تراشی هوش را خوب یاد بگیرید.
- * بر بهانه سن و سال، «زیادی جوان» یا «زیادی پیر» بودن، غلبه کنید.
- * بر بهانه‌تراشی «شانس» غلبه کنید و خوشبختی را به خود جذب کنید.
- * ترس را درمان کنید و اعتماد به نفس پیدا کنید.
- * برای بیش‌تر کردن اعتماد به نفس خود، حافظه خود را کنترل کنید.